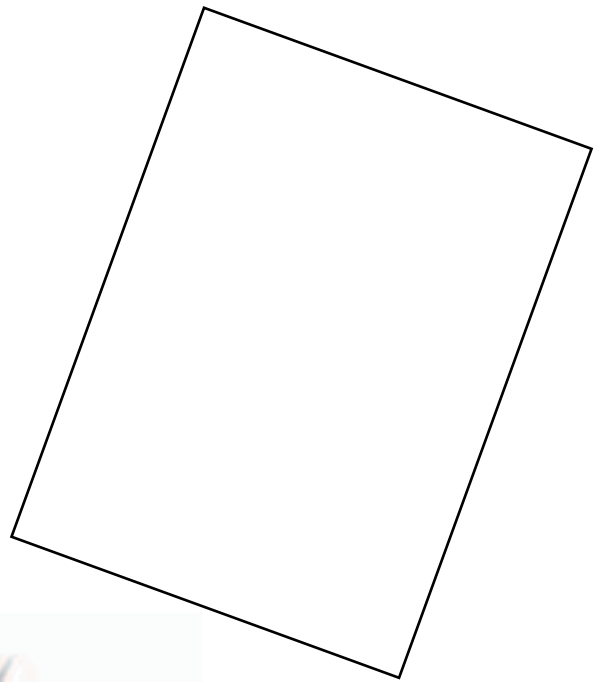


## دو منظومه غنایی

### نگاهی انتقادی به دو مثنوی

#### «حسن و دل» و «بدیع الزمان نامه»

یوسف اسماعیل زاده



#### الف) مثنوی «حسن و دل»

معرفی شاعر

مولانا محمدین یحیی نیشابوری از شاعران قرن نهم هجری است. تخلصش «فتاحی»، «اسراری» و «خماری» بوده است. او دانشمندی معتبر در علوم و در کتابخانه سلطنتی به کتابت مشغول بود. از او آثار زیر بازمانده است: حسن و دل، شبستان نکات و گلستان لغات به نظم نثر که مناظره گل با دف است، عروض یا تجنیسات، دیوان شعر، روضه بستان (اسرار العشاق)، دیوان اسراری و خماري که به شیوه نظیره گویی و درباره حشیش و مخدرات است و سرانجام تعبیرنامه منظوم.

معرفی حسن و دل

حسن و دل مثنوی است رمزی و عاشقانه در بحر هزج مسدس در ۵۰۰ بیت که شاعر آن را در سال ۸۴۰ هجری سروده است. شاعر در آغاز داستان می گوید: داستانی عاشقانه می خواهد بسراید و از ندیم خویش داستان را می گیرد که تاکنون کسی آن را نشنیده است. داستان، شرح دلدادگی «شاهزاده دل» فرزند «عقل» پادشاه یونان به «شاهزاده حسن» فرزند «عشق» است که سرانجام با گذراندن حوادث مختلف و گرفتاری های گوناگون به وصال «حسن و دل» می انجامد. شخصیت های داستان، اعضای آدمی و برخی خصوصیات و صفات مربوط به وی و صحنه ماجراها تن و جان اوست. مضمون داستان، عشق و زیرویم آن است. عشق در اینجا در سطح عقاید عرفانی مطرح می شود. <sup>۱</sup> در این داستان شخصیت بخشی به مفاهیم انتزاعی، بسیار دیده می شود.

\* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور منجیل.

۱. تقی پورنامداریان؛ رمز و داستان های رمزی در ادب فارسی؛ ص ۱۷۲.

حسن و دل؛ محمدین سبک نیشابوری؛ تصحیح سیدحسن

ذوالفقاری؛ چاپ اول، تهران: چشمه، ۱۳۸۷.

مقدمه

منظومه های عاشقانه ادب فارسی، یکی از زیباترین و گیراترین متون زبان فارسی اند که از قدیم تا زمان حاضر، همواره مخاطبان و علاقه مندان بسیاری داشته اند. تنوع و گونه گونی داستان ها، نشان دهنده توجه شاعران به سلیقه مخاطبان است. در هر دوره ای داستان های تازه ای باب می شد و شاعران دست به نوآوری می زدند؛ با این حال، ادب غنایی عاشقانه آنگونه که در خور میراث غنایی زبان فارسی بوده، مورد عنایت محققان قرار نگرفته است؛ اما اخیراً کوشش های سودمندی در زمینه احیای نسخ خطی مثنوی های عاشقانه و نقد و تحلیل آنها صورت گرفته است.

نشر چشمه سلسله کتبی را با عنوان منظومه های عاشقانه فارسی به زیور طبع آراسته است که تاکنون چندین کتاب به تصحیح آقایان حسن ذوالفقاری و پرویز ارسطو تصحیح و منتشر شده است. نگارنده به سبب علاقه بدین متون، این کتاب ها را در مطالعه گرفته است و برخی نکات را از باب یادآوری ارائه می کند. آنچه در این مجال بدان می پردازیم، یادداشت هایی درباره دو مثنوی حسن و دل تألیف سبک نیشابوری و بدیع الزمان دامه از مؤلفی ناشناخته است.



دکتر پورنامداریان در رمز و داستان های رمزی در ادب فارسی مغرب را نماد عالم ملک و این جهان می داند که در تسخیر عقل است و مشرق را رمز عالم ملکوت و جهان روحانی که از نظر عرفا با عشق می توان بدان دست یافت و پادشاه آن، عشق است. آب حیات، حقیقت عرفانی است که عقل عاجز از ادراک اوست و دل خواهان آن است و کوه قاف، عالی ترین نقطه عالم ملکوت است.<sup>۲</sup>

#### شخصیت های داستان

این داستان شخصیت های مختلفی دارد و اکثر آنها از اعضای بدن و مفاهیم انتزاعی انتخاب شده اند. شخصیت های داستانی حسن و دل عبارتند از: عقل، دل، نظر، ناموس، عشق، حسن، ساق، زلف، غمزه جادو، صدر خازن، توبه، صبر، ناز، لعل ساقی، رقیب، قامت، تبسم، وفا غیر، زرق، همت، خضر، جوقی زنگی بچه بلا، مهر، خال، هلال حاجب، خیال، وهم.

#### مکان های داستان

قلعه بدن، گنبد دماغ، آب حیات، شهر عافیت، باغ جنان، شهر هدایت، شهر دیدار، گلشن رخسار، چشمه فم، شهر سگسار، منزل مارپایان، چهار محله شهر دیار، صومعه عقل، صومعه زهد و ریا، چاه ذقن، باغ دلگشای، چشمه آشنایی، قصر وصال، زندان عتاب، بیابان فراق، قلعه هجران، سبزه زار خط.

#### معرفی نسخه ها

مصححان در تصحیح خویش از سه نسخه خطی و یک نسخه چاپی بهره برده اند؛ البته نسخه اساس نسخه شماره ۷۱ فیروز کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که در تاریخ ۸۸۵ نوشته شده است و در بردارنده ۴۸۰۰ بیت است. نسخه های خطی ۵۱۵۲ دانشگاه تهران (۵۶۰۰ بیت) و دارالکتب قاهره به شماره ۱۶۳ (کتابت در ۸۷۹ ق و در ۳۶۰۰ بیت) به عنوان نسخه بدل، مورد استفاده قرار گرفته اند. حسن و دل یک بار نیز توسط ر. س. گرین شیلدز در سال ۱۹۲۶ م در برلین منتشر شده است که این چاپ نیز مدنظر مصححان بوده است. نسخ خطی دیگری از حسن و دل در کتابخانه های موزه بریتانیا، بادلیان، طوپقاپو سرای و لاهور موجود است.

در صفحه پنجاه در معرفی نسخه ها دستور عشاق چاپی گرین شیلدز به اشتباه صفحه آغاز نسخه شماره ۵۱۵۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران گفته شده است؛ همچنین در صفحه ۵۳ متن چاپی، نسخه قاهره شمرده شده است.

#### توضیح

باتوجه به رمزی بودن داستان، شاعر به روال سنت مثنوی گویان در آغاز و گاه در خلال ابیات، از آیات، روایات و سخنان مشایخ بهره جسته است؛ البته تقریباً همه آن موارد در کتب پیشینیان دیده می شود و در حسن و دل، تأثیر پذیری شاعر از نظامی و عطار دیده می شود.

شاعر برخی از عبارات نظامی را در خسرو و شیرین عیناً به کار برده است و در توصیف بروج به لیلی و مجنون نظامی نظر داشته است. بیشترین استناد شاعر به روایات و آیات قرآنی، در مقدمه کتاب وجود دارد. بهتر بود مصححان کتاب، فهرستی از آیات و روایات مندرج در کتاب را تهیه می کردند؛ همچنین در این مثنوی به سنت های ادبی، اعتقادات عامه، ضرب المثل ها و تلمیحات فراوانی اشاره شده است که مصححان کتاب بدان توجه نکرده اند (ر. ک به ابیات: ۶۹، ۷۱، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۹۳، ۹۹، ۱۱۵، ۱۱۷، ۲۳۳ و ۴۷۶).

تضمین هایی از شعرای دیگر نیز در متن دیده می شود (ر. ک به ابیات: ۲۴۷۹ و ۲۵۷۵).

برخی ترکیبات و لغات و تعبیراتی که در متن موجود است، در فهرست لغات آخر کتاب دیده نمی شود؛ برای مثال می توان به موارد زیر اشاره کرد: بازماندن از چیزی (بیت ۲۶۸)، برگ بید (بیت ۳۳۰)، شمع کافوری (بیت ۵۱۰)، دل از جای برخاستن (بیت ۵۵۹)، از ره افتادن (بیت ۷۰۷)، برخویش خندیدن (بیت ۸۴۶)، پا به سنگ آمده (بیت ۱۴۳۹) و در روی خندیدن (بیت ۲۷۲۳).

#### نکته ها

۱. صفحه ۲۳، بیت دوم:  
بیا تجدید کن صوفی که بی دینی سبزه برگی نیست  
کنار آب رکناباد و گلگشت مصللاً را  
وزن مصرع اول اشکال دارد. استاد دکتر شفیعی کدکنی بیت را بدین صورت ضبط کرده اند:

بیا تجدید کن صوفی که بی این سبزه برگی نیست  
کنار آب رکناباد و گل گلگشت مصللاً را<sup>۳</sup>  
۲. صفحه ۵۸، بیت ۱۶:

دلی کاو را به حسنی آرزویی است  
گه از حسنی دلی را جست و جویی است  
در نسخه بدل چ «دلی را گر» آمده است. به نظر می رسد مصححان «گه» را «گر» خوانده اند. با توجه به مصرع دوم، تصحیح بیت بدین صورت پذیرفتنی می نماید:

دلی را گه به حسنی آرزویی است  
گه از حسنی دلی را جست و جویی است  
۳. صفحه ۷۱، بیت ۲۵۶:

چو نوروز از برای نارنامه  
بسی بی برگ را پوشید جامه  
سخن درباره تولد شاهزاده دل است و کارهایی که عقل پدر

۲. همان، ص ۱۷۴.

۳. محمدرضا شفیعی کدکنی؛ قلندریه در تاریخ؛ ص ۴۳۶.

- دل در شادی ولادت فرزند می کند. تعبیر «نارنامه» در بیت بالا چندان مناسب نیست. احتمالاً «بارنامه» و به احتمال ضعیف تر «نازنامه» صحیح است.
۴. صفحه ۷۶، بیت ۳۴۹:  
طلسمی گنج در وی بی کرانه  
بهشتی چار جو در وی روانه  
در متون قدیم کسره اضافه را با «ی» نشان می دادند؛ اما بهتر بود مصحح محترم به شیوه امروزی عمل می کرد و شعر را از سکتۀ وزنی خارج می نمود.
۵. صفحه ۷۸، بیت ۳۷۹:  
نصیب عدل آن آن هر دو نکوکار  
رعیت در بدن شد جمع بسیار  
نسخه بدل «به صیت عدل از» دارد. مصرع اول یک «آن» اضافه دارد. به نظر می رسد «صیت» مناسب تر از نصیب باشد؛ چرا که رعیت آوازه و شهرت عدالت گستری پادشاهی را می شنود و سپس در کشور او اقامت می کند؛ به علاوه با ضبط مصححان در آغاز مصرع اول، به «از» نیاز است.
۶. صفحه ۸۳، بیت ۴۷۸:  
به خون کشتن ز تیغ پادشاهی  
ز تاج لعل بهتر در گدایی  
در مصرع اول «گشتن» صحیح است.
۷. صفحه ۹۷، بیت ۷۳۴:  
چو زر کاهی بود از غم خلاصم  
که باشد از دم گرمت مناصم  
در مصرع اول، به جای «کاهی»، «گاهی» درست است.
۸. صفحه ۹۸، بیت ۷۵۵:  
قافیهٔ بیت غلط است. شاید قافیه مصرع اول «کُشت» باشد. بیت مفهوم واضحی ندارد.
۹. صفحه ۱۱۹، بیت ۱۱۰۸:  
مراتاب آمد و آتش شمارا  
پسندی می بیاید سوخت ما را  
در نسخه بدل، «پسندی» آمده است که مناسب تر است.
۱۰. صفحه ۱۱۹، بیت ۱۱۱۵:  
تو هم بگذر ملک در ملک می باش  
چو جوهر رشته در سلک می باش  
در مصرع دوم «رشته ای» صحیح است تا وزن خراب نشود.
۱۱. صفحه ۱۲۷، بیت ۱۲۵۹:  
چه خوش باشد که بعد از دوری دار  
دو دیده روشنی یابد ز دیدار
- شاید در مصرع اول «یار» باشد.  
۱۲. صفحه ۱۴۳، بیت ۱۵۴۷:  
تو را قد صنوبر تا روان رست  
روان آب حیوان تشنه توست  
قافیه مصرع دوم به صورت «تست» صحیح است.
۱۳. صفحه ۱۸۸، بیت ۲۳۷۶:  
نخواهی او فتاد از روی من تو  
که داری جای بر وجه حُسن تو  
حرکت ضمه «حسن» مصرع دوم را از وزن خارج کرده است.
۱۴. صفحه ۱۹۴، بیت ۲۴۷۷:  
مرا جان بر لب از پیری به صد درد  
دوایی چون تو عمری بود در خورد  
ضبط صحیح «دوایی» است. پیری و درد نیز این حدس را تقویت می کند.
۱۵. صفحه ۱۹۶، بیت ۲۵۲۵:  
مه نو اندک اندک نور گیرد  
چو تفسید فزون نو شد بمیرد  
مصرع دوم خارج از وزن است. نسخه بدل «تفسیده فزون تر» است که مناسب تر می نماید.
۱۶. صفحه ۲۰۱، بیت ۲۶۱۷:  
به دل بردن بر آوردی ز چاهش  
بر آور هم به دلداری ز چاهش  
در مصرع اول، «چاهش» درست است؛ یعنی حسن را از مقام شاهزادگی و جاه و شوکت خویش دور کردی.
۱۷. صفحه ۲۱۴، بیت ۲۸۵۵:  
چو شمعم تا یکی بی آب داری  
چو آیم از چه رویی تاب داری  
در مصرع اول، ضبط صحیح «به کی» است.  
موارد نگارشی و تایپی
۱. صفحه ۲۲، ذیل شماره ۶، سطر سوم.  
موارد صحیح: اسراری، البسه، مکفیات و حشیش است که به اشتباه: اساری، البسته، مکفیات و جیش آمده است.
۲. در صفحه ۲۳، بیت ۵: دختر رز درست است نه دختر زر.  
صفحه ۲۳، بیت آخر: «که» در مصرع اول نادرست و «گه» صحیح است.
۳. صفحه ۲۵، پاراگراف اول، سطر ۴: در شاهزاده دل، صحیح شاهزاده دل است.
۴. صفحه ۴۶، شماره ۳، سطر ۲.



«... و حسن و دل از برگ ۸۹ تا ۱۹۵ این کلیات را دربر می‌گیرد» که «دربر» درست است.

۵. صفحه ۷۸، بیت ۳۷۸ گ

کسی پیوند ایشان گر بریدی

به خون کار همه با او رسیدی

صحیح «ایشان» است.

۶. صفحه ۸۷، بیت ۵۵۹: «دلنشان» به صورت متصل

درست است.

۷. صفحه ۱۰۸، بیت ۹۳۱:

سر خلقی به دام آورده بود او

که بر هر شب روی سر کرده بود او

«شبرو» صحیح است.

۸. صفحه ۱۷۹، بیت ۲۲۰۶: «بنامیزد» صحیح است.

### ب) بدیع الزمان نامه

داستان بدیع الزمان نامه یا «بدیع الزمان و قمرچهر» مثنوی‌ای است عاشقانه، همراه با صحنه‌های رزمی در شرح دلدادگی

«بدیع الزمان» شاهزده ایرانی به «قمرچهر» دختر خاقان چین.

قصه از این قرار است که پادشاهی به نام مسعود، فرزندی دارد با

کمال و جمال به نام بدیع الزمان. این شاهزاده روزی در

شکارگاه در کنار چشمه‌ای در دست پیرمردی، تصویر

قمرچهر، دختر خاقان چین را می‌بیند و از هوش می‌رود. بدیع

الزمان از عشق قمرچهر بی‌تاب شده، راه چین را در پیش

می‌گیرد. در این مسیر اتفاقات و جنگ‌های متعددی روی

می‌دهد که در همه آنها بدیع الزمان پیروز می‌شود. او سرانجام به

وصال دختر خاقان می‌رسد. سراینده کتاب معلوم نیست.

مثنوی در ۳۲۹۱ بیت در بحر متقارب به تاریخ ۱۰۰۷ ق سروده

شده است. از این مثنوی تنها یک نسخه شناخته شده است که در

کتابخانه ملک به شماره ۵۱۳۵ نگهداری می‌شود و همین

نسخه، مبنای کار مصححان بوده است.

شاعر در پایان کتاب، تصریح می‌کند: جلد دوم بدیع الزمان نامه

را خواهد سرود. معلوم نیست که آیا شاعر توانسته است جلد دوم را

بسراید یا خیر:

اگر زندگی باشد ای دوستان

ور از مرگ بینم ازین پس امان

سراییم از گفته باستان

به جلد دویم باقی داستان

بدیع الزمان نامه، منظومه‌ای است از ادبیات عامیانه. در این

مثنوی، لغات و تعبیرات عامیانه بسیاری وجود دارد؛ از جمله

می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: یک دل نه صد دل [عاشق شدن]

(بیت ۱۱۶)، خنده کسردن (بیت ۱۰۴)، کله بر کله زدن (بیت

۲۵۱)، سر نموده (بیت ۳۳۳)، و ابیات ۸۳۰، ۱۲۴۰ و ۲۵۳۹.

### نکته‌ها

۱. صفحه ۴۶، بیت ۱۷:

نبی بود او همان بوالبشر

نیفتاد بر ماء طینش گذر

وزن مصراع اول، مختل است.

۲. صفحه ۴۷، بیت ۵۰:

نگارنده نقش تصویر حال

چنین است صورت ز کلک خیال

در مصرع دوم، ضبط صحیح «بست» است.

۳. صفحه ۵۲، بیت ۱۶۳:

بدیدم چهل تن پس از چاوشان

همه طر قو گو همه کف نشان

مورد صحیح «طرقوا» است.

۴. صفحه ۵۲، بیت ۱۷۰:

ز نظاره آن مجال و جبین

از نام آن شهر را کرد چین

در مصرع اول، «جمال» درست است.

۵. صفحه ۵۳، بیت ۱۸۷:

چه وصف جمالش چه خامه نیست

که گنجایشش اندرین نامه نیست

مصرع اول، اشکال وزنی دارد.

۶. صفحه ۵۳، بیت ۱۹۱:

چو بر چهره اش دیده انداختم

دگر خوبش را هیچ نشاختم

در مصرع دوم، «خویش» صحیح است.

۷. صفحه ۵۴، بیت ۲۰۲:

صبا و شمال و نسیم سحر

به فرشش بسته از جان کمر

مصرع دوم، سخته‌ای در وزن دارد.

۸. صفحه ۶۴، بیت ۴۴۷:

بگفت این نیزه بدو کرد راست

که آواز تحسین ز نورد خواست

- بیت را باید بدین صورت نوشت :
- بگفت این [و] نیزه بدو کرد راست  
که آواز تحسین ز ناورد خاست  
۹ . صفحه ۶۶ ، بیت ۴۹۱ :
- شبانگاه ساز یورش ساختند  
یورش جانب قلعه انداختند  
وزن بیت مختل است .
- ۱۰ . صفحه ۶۸ ، بیت ۵۲۵ :
- چو شهزاده دیدش بس شاد شد  
دلش از غم دهر آزاد شد  
در مصرع اول ، « بسی » درست است .
- ۱۱ . صفحه ۶۸ ، بیت ۵۳۴ :
- چو دیدی تو پر خاش شیران نر  
سوی واپس ای روبه حيله ور  
در مصرع دوم فعلی دیده نمی شود . احتمالاً مصرع دوم  
بدین صورت بوده است : دوی واپس ای روبه حيله ور .
- ۱۲ . صفحه ۷۴ ، بیت ۶۸۶ :
- چه طبل و نغیر و چه از کر نای  
چه نقاره ها و کوس و چنگ درای  
در مصرع دوم ، « و » بعد از نقاره ها زاید است .
- ۱۳ . صفحه ۷۵ ، بیت ۷۰۲ :
- چو آمد به نزد شهنشاه و گفت  
که ای گشته رایت به اقبال خوش  
قافیه در مصرع دوم غلط است . مصرع دوم بدین صورت  
درست است : که ای گشته رایت به اقبال جفت .
- ۱۴ . صفحه ۷۶ ، بیت ۷۲۱ :
- پرستیدن شیرشان بود دین  
سراسر هم ملک ماچین و چین  
در مصرع دوم ، « همه » صحیح است .
- ۱۵ . صفحه ۹۳ ، بیت ۱۱۲۳ :
- پس آن که به همراه فغفور و سام  
روان شد به مقصد شه نیکنام  
« پس آن گه » درست است .
- ۱۶ . صفحه ۱۰۶ ، بیت ۱۴۲۱ :
- ازین غم دلش گشت زار و نژند  
بفرمود تا کوس حربی نمودند  
قافیه مصرع دوم « زدند » صحیح است .
- ۱۷ . صفحه ۱۲۶ ، بیت ۱۸۸۰ :
- ولیکن ز نیروی اقبال و بنخت  
گرفت اشکبوس به پیکار سخت  
وزن مصرع دوم ، دارای اشکال است .
- ۱۸ . صفحه ۱۴۹ ، بیت ۲۴۳۳ :
- نه از جان کشیدی ز من نازدار  
نه اظهار کردی به من راز را  
در مصرع اول ، « ناز را » صحیح است .
- ۱۹ . صفحه ۱۵۴ ، بیت ۲۵۴۷ :
- تمامی دلیران آن شهریار  
چو گردان چین و چه ماچین دیار  
باتوجه به مفهوم و معنا ، در آغاز مصرع دوم ، « چه » صحیح  
است .
- در برخی موارد ایرادهای تایی نیز به کتاب راه یافته است که  
در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود : بیت ۲۳۹ : خوایش  
(خویش) ؛ بیت ۶۴۳ : حامی (جامی) ؛ بیت ۱۶۶۰ : سور  
(سوز) ؛ بیت ۱۷۵۹ : کردید (گردید) ؛ بیت ۲۰۰۶ : لمجه  
(لمحه) ؛ بیت ۲۵۵۶ : از یاری (اریاری) .
- برخی تعابیر و اصطلاحات در فهرست واژگان و تعبیرات  
آخر کتاب دیده نمی شود ؛ از جمله : گرد بر آوردن (بیت ۸) و  
دست از کار شدن (بیت ۱۱۶) . شاعر از آیات و روایات نیز در  
مثنوی خویش استفاده کرده است و حوادث قبل از اسلام را با  
بعد اسلام درهم آمیخته و قهرمان داستان را مبلغ اسلام شمرده  
است که بعد از شکست دادن رقیبان خود ، دین اسلام را بر آنها  
عرضه می کند .
- منابع
- ۱ . بدیع الزمان زامه ؛ تصحیح حسن ذوالفقاری و پرویز  
ارسطو ؛ تهران : چشمه ، ۱۳۸۶ .
  - ۲ . فتاحی نیشابوری ؛ حسن و دل ؛ تصحیح حسن ذوالفقاری  
و پرویز ارسطو ؛ تهران : چشمه ، ۱۳۸۶ .
  - ۳ . پورنامداریان ، تقی ؛ رمز و داستان های رمزی در ادب  
فارسی ؛ چ ۵ ، تهران : علمی و فرهنگی ، ۱۳۸۳ .
  - ۴ . شفیع کدکنی ، محمدرضا ؛ قلندریه در تاریخ : دگردیسی های  
یک ایدئولوژی ؛ تهران : سخن ، ۱۳۸۶ .